

# سنجش تعقیب



جمهوری فرانسه سال ۱۹۵۸ در قانون آیین دادرسی کیفری بند اول ماده ۴۰ مقرر نموده که دادستان جمهوری، با وصول شکایات و اعلام جرمها، تعقیب کیفری را مورد سنجش قرار می دهد. استفاده دادستان از قاعده موقعیت داشتن تعقیب کیفری، کلی و برای تشخیص موقعیت داشتن یا نداشتن تعقیب، ضابطه قانونی وجود ندارد، اما دادستان با در نظر گرفتن عواملی چون کم اهمیت بودن جرم ارتكابی، سنگینی هزینه دادگستری، گذشت شاکی خصوصی، لزوم اصلاح و تربیت منم، مالی بودن جرم ارتكابی و بالاخره عوامل فردی و اجتماعی می تواند از تعقیب کیفری و اعلام نظر، انصراف نماید. دادستان شهرستان، شکایتها و اعلام جرمها را دریافت می کند و تعقیب آنها را ارزیابی می نماید، همچنین، وی با همان آزادی، می تواند صورتجلسه ها و سایر نظریه های که از طرف ادارات یا حتی پلیس قضایی به او رسیده است مطابق قانون ارزیابی کند. البته این تصمیم از طریق سلسله مراتب (دادستان کل) و اجازه به مدعی خصوصی که بتواند مستقیماً به دادگاه کیفری مراجعه و با طرح دعوی خصوصی، امر کیفری را به جریان بیندازد، کنترل می شود.

این اختیار غیر از فرانسه در ماده ۷۴ قانون مجازات ایتالیا و بند ۳ ماده ۱۷۶ هلند نیز پیش بینی شده است. همچنین سنجش تعقیب در بند ۴ ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری چین آمده که دادرسی خلق می تواند نسبت به بایگانی پرونده هایی که شک و تردید بر جای گذاشته اند، اقدام نماید حتی پرونده هایی که تحقیق تکمیلی نسبت به آنها معمول گشته، دادرسی خلق می تواند نسبت به بایگانی آنها بدون اینکه دستور ادامه تحقیقات را صادر نماید، اقدام کند.

سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری مزایای بسیاری دارد از جمله:

- کاهش آمار کیفری در جرائم کم اهمیت. (دادسراها

با اینکه روزانه مواجه با وصول انبوه پرونده هایی از این نوع هستند و از طرفی با کمبود کادر قضایی روبرو می باشند و تراکم کار، فرصت رسیدگی دقیق به پرونده ها را نخواهد داد، تنها روشی که می تواند در این کاهش مؤثر افتد، لحاظ این جایگاه قانونی است.)

- ایجاد زمینه مناسب برای محاکم از این حیث که به امور جزایی مهم با تعقیب بیشتری رسیدگی کنند.
- کاهش زمینه نقض آراء به لحاظ داشتن فرصت برای اتخاذ تصمیمات منطقی و قانونی.

\* در ایران تعلیق تعقیب، که از سال ۱۳۵۲ وارد قانون آیین دادرسی کیفری شد، سیستمی است که با سیستم موقعیت داشتن تعقیب تفاوت دارد، اگر چه از نظر نتیجه و هدف یکی است، اما شرایط سخت و غیر ضروری تعلیق تعقیب از جمله اقرار متهم و احراز صحت و سقم آن از جمله شرایطی است که امکان تحقق یافتن آن را ضعیف می کند از طرفی اختیار دادستان به صدور قرار تعلیق پس از اقرار از جمله عواملی است که باعث می گردد متهم تن به این مخاطره ندهد. اصلاح مقررات مربوط به تعلیق تعقیب و تصویب قاعده موقعیت داشتن تعقیب، بهترین روش و مؤثرترین راه علاج جلوگیری از تراکم فعلی پرونده های کیفری در دادسراهاست، اگر چه برخی عقیده به نسخ تعلیق تعقیب در سیستم دادگاههای عمومی و انقلاب دارند اما اداره حقوقی نظر بر بقاء این جایگاه قانونی دارد.

نظریه اداره حقوقی در مورد تعلیق تعقیب (۷/۸۹۶-۷/۲/۵):

مرل استاد فرانسوی حقوق جزا یکی از فصول کتابی را که تحت عنوان توبه و کفر در سال ۱۹۸۵ منتشر کرده، چنین آغاز کرده: مرگ بر زندان، شعاری بود که از سال ۱۹۵۵ طنین انداز شد. و ما نیز امروز ناکارآمدی زندان را بکرات از زبان مسؤولین قوه قضائیه شنیده ایم.

نگرش ویژه ای که در خصوص واکنشهای جزایی وجود دارد باعث شده که در سیاست جنایی اسلام، عکس العملهای کیفری تنها طریق مبارزه با تبهکاری تلقی نشده، حتی راهی مناسب و کار آمد نیز شناخته نگردد. از این رو صورتهای مختلف و گسترده ای در گریز از اجرای واکنشهای جزایی، پیش بینی و در جهت دفع کفر تلاش شده است. کیفرزایی در مفهوم وسیع خود عبارت از اقدامات سیاست جنایی است که در برگزیده تخفیف کفر مبتنی بر اندیشه ناتوانی عقوبت در اصلاح و تربیت مجرم و پیشگیری از جنایت است. پیامبر (ص) فرمود: «تا آنجا که می توانید حدود را بر مسلمانان اجرا نکنید و اگر محملی برای رهایی آنان یافید، ایشان را رها کنید زیرا اگر امام در عفو خطا کند بسیار بهتر از آن است که در مجازات اشتباه کند». کیفرزایی به ویژه در مجازاتهای سخت تا آنجاست که معصوم (ع) به مجرد عروض مانعی که موجب ترک یا کاهش مجازات می گردد، شادی و فرح خود را به وضوح آشکار می سازد.

کلام را با ذکر روایتی از امام صادق (ع) خاتمه می دهیم که فرموده است: «بر حاکم است که سه چیز را درباره عام و خاص به اجرا گذارد، پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام عمل نیک در او بیشتر شود، پوشاندن گناه خطاکار تا توبه کند و از گناه باز گردد و ایجاد الفت بین همگان بوسیله احسان کردن و انصاف به خرج دادن». نتیجه اینکه امید است اولاً با ترویج و تبلیغ استفاده از تعلیق به عنوان تنها امکان قانونی در راستای سنجش تعقیب و ثانیاً در نظر گرفتن این اختیار برای مقام تعقیب (دادستان) در قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاح مقررات مربوط به تعلیق تعقیب از تراکم پرونده ها بکاهیم و در خصوص موضوعات مهم و پیچیده، رسیدگی سریع و عادلانه را فراهم کنیم. زیرا قدم اول برنامه ریزی مناسب برای عدلیه ایران، سیاستگذاری نسبت به کاهش ورودی پرونده هاست.